

بارزترین انگیزه‌های گرایش شعرا و ادبای ایران زمین به کلام الله مجید

سید محمد امیری^۱، امیرحسین حافظی بختیاری^۲

^۱ دانشیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

چکیده

هنرمند و بخصوص ادیب و شاعر ایران زمین همواره در پی آن است اثری بیافریند تا بتواند وسیلهٔ جاودانگی‌اش را فراهم سازد و از آن چه جان و ضمیرش را در عرصهٔ روزگار تهدید می‌کند در امان بماند و کدام چشمهٔ زاینده و دولت پاینده‌ای نیکوتر از قرآن کریم تا بدان چنگ زند و با پیوستن به این بحر بی‌کران از نعمت‌های آن بهره‌مند گردد. در این مقاله برآنیم، هرچند گذرا، انگیزهٔ شاعران و ادیبان ایران زمین را برای گشودن کلام الله مجید بنمایانیم و به جهت آن که بسیاری از متون و اشعار ادب پارسی بدون اطلاعات قرآنی مبهم و نارساست، نشان دهیم کدامین انگیزه‌های معرفتی و خداشناسی است که شاعر و ادیب ایرانی را مجذوب قرآن کریم می‌نماید تا مصحف آسمانی را بگشاید و از سرچشمهٔ زلال معرفت آن سرمست شود.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، انگیزه، شاعر، ادیب، ایران زمین، فارسی.

مقدمه:

ادب پارسی که از دیرباز در میان ملل فرهیخته و فرهنگ دوست گیتی، جایگاه ویژه‌ای یافته‌است، از یک سو هیمنه و شکوهش بر سینۀ کوهها و تارک کتیبه‌ها، رخ نمایی می‌کند، و از سوی دیگر با بهره‌مندی از قرآن کریم توانسته‌است جانی دیگر یابد و جولانگاه معارف بی‌کران همچون، حق‌جویی، حق‌شناسی، شرف، مهر و محبت، صبر، استقامت و بخشندگی، گذشت و نمونه‌های فراوانی از گوهرهای ارزنده بشری گردد. از همین رو است که شاعران و ادیبان نکته‌پرداز ایران زمین با زبان شیرین پارسی به صور گوناگون و با انگیزه‌های مختلف سعی در بهره‌وری از این گنجینه آسمانی نموده‌اند. بسیار می‌بینیم که در سرآغاز کتاب‌های منظوم و منثور پارسی به عنوان تیمن و تبرک به سوی کلام الله دست می‌گشایند تا کلام خویش را با کتاب الله موکد نمایند. آن چه به نام تحمیدیه در عرصه ادب پارسی معمول شده‌است چیزی جز این نیست که شاعر پارسی زبان با انگیزه‌ی خدا دوستی و یزدان پرستی تمایل دارد در سرآغاز سخن خویش دست به سوی دادار هستی بگشاید و از ذات پاک احدیتش مدد جوید و او را سپاس گوید.

به نام خداوند جان و خرد خداوند نام و خداوند جای	کزین برتر اندیشه برنگذرد خداوند روزی ده رهنمای (فردوسی، ۱۳۸۸، ص ۱۲)
به نام خدایی که جان آفرید خداوند بخشنده دستگیر	سخن گفتن اندر زبان آفرید کریم خطابش پوزش پذیر (سعدی، ۱۳۶۸، ص ۳۴)
خداوندا در توفیق بگشای	نظامی را ره تحقیق بگشای (نظامی، ۱۳۷۰، ص ۱)
((حمد و شکر و سپاس مر آن پادشاهی را که عالم عود و معاد را بتوسط ملائکه کروی و روحانی در وجود آورد و عالم کون و فساد را بتوسط آن عالم، هست گردانید و ...))	
(نظامی عروضی، ۱۳۶۶، ص ۱)	
((حمد و ثنایی که روایح ذکر آن چون ثنایای صبح بر نکهت دهان گل خنده زند و ... قدیمی که عقل ببارگاه کبریاء قدمش، قدمی فرا پیش ننهاده)) (وراوینی، ۱۳۶۶، ص ۴)	
((منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت، هر نفسی که فرو می‌بریم ممد حیات است و چون بر می‌آید مفرح ذات...)) (سعدی، ۱۳۶۸، ص ۴۹)	
چنین برمی‌آید که شاعر و نویسنده ایران زمین در عمق وجودش گرایش به خداپرستی را در تمسک به درگاه یزدان پاک و قرآن کریم می‌داند، هنگامی که مخزن الاسرار نظامی را می‌گشاییم بیت	
بسم الله الرحمن الرحيم	هست کلید در گنج حکیم (نظامی، ۱۳۷۰، ص ۲)

نظرها را به خود جلب می‌کند، اگرچه بسیاری از ادبا گنج حکیم را کتاب ((مخزن الاسرار)) تعبیر نموده‌اند اما زمانی که در این بیت عمیق می‌شویم و به جست و جو می‌پردازیم می‌توانیم مفهوم استعاری بودن ((درگنج)) را که همان کلام الله است بیابیم و کلید آن را که ((بسم الله الرحمن الرحیم)) است دریابیم.

می‌توان این‌گونه استنتاج کرد که شاعر و نویسنده با توسل به کلام الله سعی دارد به ذهن مخاطب اطمینان ببخشد و به گونه‌ای مخاطب خود را وا دارد تا به سخن وی اعتماد نماید. ((عادت باید کرد بخواندن کلام رب العزه ... و چون قرآن داند بیک آیتی از عهده ولایتی بیرون آید.)) (نظامی عروضی، ۱۳۶۶، ص ۲۲)

نظامی عروضی کلام خویش را با نمونه‌ای از شیوه‌ی دبیری ((اسکافی)) که با استفاده از قرآن کریم به شهرت رسید بیان می‌کند و می‌نویسد که اسکافی از جمله دبیرانی بود که نویسندگی نیکو می‌دانست و آن‌گاه که کاتبی ((الپتگین)) را عهده دار می‌شود، نامه تهدیدآمیزی از جانب نوح سامانی برای مخدوم خویش دریافت می‌نماید، این نامه بسیار ((الپتگین)) را رنجیده می‌نماید چراکه نوح به ((الپتگین)) وعده‌ها داده بود، از اسکافی می‌خواهد که پاسخی در خور و مناسب به نوح سامانی بدهد. ((اسکافی)) هم با تمسک به قرآن فقط می‌نویسد: ((بسم الله الرحمن الرحیم، یا نوح قد جاد لتنا فاکثرت جدالنا فاتنا بما تعدنا ان کنت من الصادقین)) (۳۲/۱۱)

((ای نوح همانا با ما ستیزه کردی، ستیزه بسیار، پس اگر از راستگویانی، آنچه را که به ما وعده کردی، بیار...))

((چون نامه به امیر خراسان، نوح بن منصور رسید، آن نامه را بخواند، تعجب‌ها کرد و خواجگان دولت حیران فروماندند و دبیران انگشت بدنان گزیدند و... اگر [اسکافی] قرآن نیکو نداشتی در آن واقعه بدین آیت نرسیدی و کار او ... بدین غایت نکشیدی)) (نظامی عروضی، ۱۳۶۶، ص ۲۴)

۱- انگیزه اصلی پیوستگی به قرآن

۱-۱- قوام و دوام ابدی، کلام الله است

شاعر ایران زمین نمی‌خواهد پای‌بند چیزی شود که تزلزل‌پذیر است و از آنجا که دادار هستی خود می‌فرماید ((إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)) (۹/۱۵) ما این قرآن را نازل کردیم و خود از آن محافظت می‌کنیم.

متمسک به همین آیه شریفه می‌شود:

گر بمیری تو نمیرد این سبق
بیش و کم کن را ز قرآن دافعم
طاعنان را از حدیث دافعم
تو، به از من حافظی دیگر مجو

(مثنوی، ۱۱۹۷/۳)

مصطفی را وعده کرد الطاف حق
من کتاب و معجزت را حافظم
من تو را اندر دو عالم رافعم
کس نتاند بیش و کم کردن در او

۱-۲- توصیف پیامبر

در بسیاری از اشعار به وضوح مشاهده می‌کنیم که شاعر نکته پرداز ایران‌زمین برای توصیف حضرت رسول (ص) از آیات شریفه قرآن کریم مدد می‌گیرد:

شاهباز نشیمن مازاغ

بلبل شاخسار باغ بلاغ

داشت چشم سرش چو دیده سر

روشنایی ز کحل بی بیصر

(جامی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۰)

که قطعاً سراینده نظر به آیه شریفه ((ما زاغ البصر و ما طغی)) (۱۷/۵۳) داشته‌است ((چشم محمد(ص) از حقایق آن جهان آنچه را باید بنگرد، بی هیچ کم و کاست مشاهده کرد)).

جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی از شاعران اواخر سده ششم، یکی از بهترین ترکیب‌بندهای خود را در توصیف پیامبر، با بهره‌گیری از آیات شریف قرآن، سروده‌است

ای از بر سدره شاهره

وی قبه عرش تکیه‌گاہت

ای طاق نهم رواق بالا

بشکسته ز گوشه کلاهت

خورده‌ست خدا ز روی تعظیم

سوگند به روی همچو ماهت

ایزد که رقیب جان خرد کرد

نام تو ردیف نام خود کرد

(دیوان عبدالرزاق اصفهانی، به نقل از گروه مولفان، ۱۳۷۸، ص ۴)

با اندکی دقت درمی‌یابیم که بیت ((خورده‌ست خدا ز روی تعظیم/ سوگند به روی همچو ماهت)) با بهره‌گیری از آیه شریفه ((لعمرگ آنهم لفی سکرتهم یعمهون)) (۷۲/۱۵) است ((به جان تو سوگند، این مردم دنیا همیشه در مستی خود سرگردانند)). و بیت ((ایزد که رقیب جان خرد کرد/ نام تو ردیف نام خود کرد)) که اشاره‌ای است به قرارگرفتن نام رسول (ص) پس از نام باریتعالی در برخی از آیات قرآن کریم ((اِنَّمَا وَلِیْکُمُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا الَّذِیْنَ یَقِیْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَ یُوْتُوْنَ الزَّکٰوةَ وَ هُمْ رٰکِعُوْنَ...)) (۵۵/۵)

(ولی امر و یاور شما، تنها خدا و رسول خدت و مومنانی هستند که نماز بپا داشته و فقیران را در حال رکوع زکات می‌دهند.)

۱-۲-۱- رسالت پیامبری و بشیر و نذیر بودن رسول (ص)

گفتم که (به قرآن در پیداست که احمد/ بشیر و نذیرست و سراج است و منور)

(ناصر خسرو، ۱۳۶۳، ص ۶۰)

اشاره به ((یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا)) و ((داعبا الی الله باذنه و سراجا منیرا)) (ای پیامبر تو را به سوی مردم به عنوان شاهد و مؤده‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم) و (فراخواننده به سوی خدا به اذن وی و چراغ روشن)

۱-۳- بیان مبارزه و ستیز علیه ظلم و بیدادگری

معمار کاخ بلندپایه شاهنامه، حکیم توس، که خود را وابسته و بنده اهل بیت پیامبر می‌داند.

منم بنده اهل بیت نبی

ستاینده خاک پای وصی

(فردوسی، ۱۳۸۸، ص ۱۹ ج ۱)

آن‌گاه که از داد و بیداد سخن می‌راند معتقد است که ستمگر با رفتار نابخردانه خود سبب می‌شود، نیکی از جامعه رخت بریندد و تباهی و زشتی، آشکارا جای آن نشیند. شیر در پستان نخجیر خشک می‌شود، آب در چشمه قیر و راستی محو و نابود می‌گردد و از نافع آهویی بوی مشک برنخواهد خاست.

چو بیدادگر شد جهاندارشاه

ز گردون نتابد بپایست ماه

نبوید به نافه درون نیز مشک
دل نرم چون سنگ خارا شود
خردمند بگریزد از بی خرد
(فردوسی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۴-۳۸۳، ج ۷)

به پستان‌ها درشود شیر، خشک
زنا و ریا آشکارا شود
به دشت اندرون گرگ مردم خورد

و آنگاه که چنین فضایی بر جامعه حکم فرما می‌شود، به حکم آیه شریفه:

((سِیْلِمُ الَّذِیْنَ ظَلَمُوا اِیَّ مَنْقَلِبِ یَنْقَلِبُونَ)) (۲۶ / ۲۲۷)

(بزودی خواهند دانست- کسانی که ستم روا می‌دارند- به چه کیفرگاهی بازگشت می‌کنند.)

حکیم فرزانه توس هنرمندانه و زیبا بر ستمگر می‌تازد که

چو آرام‌یابی بترس از گزند
(فردوسی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۵، ج ۷)

چنین است رسم سرای بلند

۱-۴- برداشتن قفل گمراهی

شاعر پرآوازه یمگان، ناصر خسرو، که نظرات دینی و فلسفی‌اش به صورت‌های گوناگون در دیوانش رخ می‌نماید، معتقد است که راه سعادت بشری و رسیدن به کمال و یافتن کلید قفل گمراهی با پناه بردن به قرآن کریم عملی شود و آنان که راهی به کلام الله ندارند همواره در گمراهی و سرگردانی قراردارند.

تا راه شناسی و گشاده شودت در
من چون تو بسی بودم گمراه و مخیر
(ناصر خسرو، ۱۳۶۳، ص ۵۹)

قفل از دل بردار و قرآن رهبر خودکن
ور راه نیابی نه عجب دارم از براک

و چنین مضمون همان است که در قرآن آمده است

((افلا یتدبّرون القرآن ام علی قلوب اقفالها)) (۴۷ / ۲۴)

آیا در قرآن تامل نمی‌کنند یا این که بر دل‌هایشان قفل است.

۲- انگیزه بیان عشق

عشق، بیان علاقه و شیفتگی بیش از حد است و شنیدنش نامکرر است، تمامی تمایلات آدمی را کنار می‌نهد و فقط معشوق در مقابل دیده آدمی مصور می‌شود، سرایندگان و نام‌آوران ادب ایران‌زمین یکی از رموز شیفتگی خود را به کلام الله، عشق به معشوق ازلی و قدیم می‌دانند.

۲-۱- تمایلات دوسویه، عشق بین محب و محبوب

اهل حقیقت و بسیاری از خامه‌وران و شاعران که در پی اتصال به پیشگاه خداوندی هستند همواره بر این اصل تاکید می‌ورزند که به یاد او باشند و او را ذکر نمایند و شکر نعمتش به جای آورند تا حق تعالی نیز نظر عنایت خویش را به سوی آنان بازگرداند، آنان تمسک بدین آیه شریفه می‌جویند که

((فاذکرونی اذکرکم و اشکروا لی و لاتکفرون)) (۱۵۲/۲)

مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم سپس شکر نعمت بجای آورید و کفران نعمت نکنید.

گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان

نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

(حافظ، ۱۳۶۷، ص ۱۱۸)

همین مفهوم را مولانا بسیار زیبا در دفتر سوم مثنوی بیان می‌کند. زاده بلخ، ملای روم، معتقد است که اگر بنده‌ای نام پروردگار را ذکر می‌کند در حقیقت همان ذکر زیر لب، توفیق معشوق و خداوند رحمان است که نصیب بنده‌اش شده و پاسخی است در برابر یادی که از خداوندیش می‌کند.

تا که شیرین می‌شد از ذکرش لیبی
این همه الله را لیبیک کو؟
چند الله می زنی با روی سخت
دید در خواب او خضر را در خضر
چون پشیمانی از آن کش خوانده‌ای؟
زان همی ترسم که باشم رد باب
وان نیاز و درد و سوزت پیک ماست

آن یکی الله می‌گفتی شبی
گفت شیطان آخرای بسیارگو
می نیاید یک جواب از پیش تخت
او شکسته دل شد و بنهاد سر
گفت هین از ذکر چون وامانده‌ای
گفت لیبیک نمی‌آید جواب
گفت آن الله تو لیبیک ماست

(پژوهش‌نامه ادب فارسی، ۱۳۸۴، شماره پنجم به نقل از مولوی، ۱۳۶۴، ص ۱۳، ج ۲)

۲-۲- خلود و جاودانگی عشق

پایداری و هموار بودن عشق است که به آدمی رنگ جاودانگی می‌باشد و هدف آفرینش همین است. در تعبیرات بسیاری از شعرا این مفهوم خلود و جاودانگی آن است که انسان‌های صالح در آن جا جاودانه می‌زیند.

((والدین آمنوا و عملواالصالحات اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون)) (۸۲/۲)

آنانی که ایمان و کردار نیک به جا آوردند هم اینان‌اند که بهشتی هستند و در آن جا جاودانه به سر می‌برند.

شاعر گنجه چون بسیاری از شاعران، عشق و دلداگی را جوهر حرکت انسان و وسیله قوام آفرینش می‌داند.

به عشق است ایستاده آفرینش

گر اندیشه کنی از راه بینش

(نظامی، ۱۳۵۳، ص ۴)

نظامی جوهره عشق را فراتر از مهرورزی‌های ساده جسمانی می‌داند زیرا که جهان بدون وجودش جایگاه و منزلتی ندارد.

جهان بی خاک عشق آبی ندارد

فلک جز عشق محرابی ندارد

که بودی زنده در دوران عالم

اگر بی عشق بودی جان عالم

گرش صدجان بود بی عشق مرده‌است

کسی کز عشق خالی شد فسرده‌است

(نظامی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۵)

در فرهنگ ما ایرانیان هم عشق عرفانی در کنار اعتقادات اسلامی فضای بسیار دل‌انگیز را برای شعر و شاعری آماده ساخته‌است و در چنین فضایی شعرای بزرگی با تمسک به قرآن کریم این عشق را مهمترین عامل رستگاری آدمی و وجه تکاملی او و راه

دستیابی به سرمنزله مقصود واقعی و معنوی خویش می‌دانند آن‌جا که این شعر عارفانه رخ می‌نماید شعرای بزرگی چون حافظ، فخرالدین عراقی، عطار و مولانا و... خوش می‌سرایند. مولانا چنین از عشق پاک می‌گوید

هر که را جامه ز عشقی پاک شد	او ز حرص و عیب کلی پاک شد
شاد باش ای عشق خوش سودای ما	ای طیب جمله علت‌های ما
ای دوای نخوت و ناموس ما	ای تو افلاطون و جالینوس ما
جسم خاک از عشق برافلاک شد	کوه در رقص آمد و چالاک شد

(مولوی (محمد بلخی)، ۱۳۶۰، ص ۱۰)

حافظ نیز عشق را رمز جاودانگی می‌داند و معتقد است که اگر قرآن را با چهارده روایت از برخوانی بازهم این عشق است که می‌تواند راه‌گشا و هدایتگر تو شود و به فریادت برسد.

عشقت رسد به فریاد از خودبسان حافظ	قرآن زیر بخوانی در چارده روایت
-----------------------------------	--------------------------------

(حافظ، ۱۳۶۷، ۲۰۹، ج: ۱)

۳- ترک تعلقات دنیوی و گرایش به دین

در قرآن کریم بسیار راجع به بی‌مقداری دنیا سخن رانده شده و خصوصاً تأکید بر این ورزیده شده که آدمی از خاک آفریده شده و هم بدان خاک باز می‌گردد و در روز رستاخیز بار دگر سر از خاک برون می‌آورد و می‌بینیم در خصوص این که مرگ پایان زندگی نیست مولانا چه زیبا می‌سراید

به روز مرگ چو تابوت من روان باشد	گمان مبر که مرا درد این جهان باشد
برای من مگری و مگو: ((دریغ دریغ))	به دوغ دیو درافتی دریغ آن باشد...
فروشدن چو بدیدی برآمدن بنگر	غروب، شمس و قمر را چرا زیان باشد؟!...
کدام دانه فرو رفت در زمین که نرسد	چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟!...

(مولوی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۹)

اعتقاد مولانا این است که مرگ جز تغییر ماهیت چیزی نیست و حقیقت همان رسیدن و اتصال به محبوب است و این موضوع همان است که در قرآن کریم به وضوح می‌بینیم

((منها خلقناکم و فیها بعیدکم و منها نخرجکم تاره آخری)) (۵۵/۲۰)

((شما را از خاک آفریدیم و هم به این خاک باز می‌گردانیم و هم بار دیگر در روز رستاخیز از این خاک بیرون می‌آوریم.))

در سایه چنین آموزه قرآنی است که بسیاری ترجیح می‌دهند به جهان مادی پشت پا بزنند و بدان بی‌توجه باشند. سیف فرغانی در ترک تعلقات دنیوی و گرایش به دین می‌سراید

ترک دنیای دنی گیر که لایق نبود	تو بدو مفتخر و او ز تو می‌دارد عار
به زر و سیم جهان فخر میاور که بسی	ما را گنج بود مورچگان را انبار
دامن جامه جان پاک کن از گرد حدث	زان که لایق نبود جیب مسیحا به غبار

(فرغانی، ۱۳۶۴، ص ۶۶)

۴- بیان اختیار مطلق پروردگار

حکیم نظامی گنجه‌ای قدرت باری تعالی را به تصویر می‌کشد و با نگاه کامل به آیه شریفه ((ان الله علی کل شیء قدیر)) و از این که پروردگار قادر مطلق است و صاحب اختیار تام آفرینش، بسیار زیبا می‌سراید.

فلک بر پای دار و انجم افروز	خرد را بی میانجی حکمت آموز
جواهر بخش فکرت‌های باریک	به روز آرنده شب‌های تاریک
غم و شادی نگار و بیم و امید	شب و روز آفرین و ماه و خورشید
وجودش بر همه موجود قاهر	نشانش بر همه بیننده ظاهر
چنان کرد آفرینش را به آغاز	که پی‌بردن نداند کس بدان راز
بفرساید همه فرسودنی‌ها	همو قادر بود بر بودنیها

(نظامی، ۱۳۷۰، ص ۴ و ۵)

نتیجه‌گیری:

غور و تفحص شاعران و نویسندگان ایران زمین در قرآن کریم بی جهت نبوده است. آنان در این کتاب هستی‌بخش از پروردگار، قوام و دوامی ابدی می‌جستند که زوال در آن راه ندارد و صداقت و بی‌پیرایگی در ذات پیامبرش احساس می‌کردند و عشق را رمز پی‌بردن و راه‌گشایی به کتاب‌الله می‌دانستند و این‌ها همان برجسته‌ترین مفاهیم معرفتی بوده است که سرآغاز تدبیر و اندیشه آنان و غور و تفحص در کلام الله است.

شک نیست کلام‌الله مجید در جنبه‌های رازآمیز خود نکاتی سر به مهر و پنهان دارد که هنوز ذهن بشر قادر به شکافتن آن نیست اما در اینجا غرض آن بوده است که به برجستگی گرایش شاعر و ادیب ایران زمین اشاره شود و امید است با دریافت دقیق و بهتری از قرآن کریم بیشتر بتوان به زوایا و خفایای این کتاب آسمانی پی برد.

منابع

- ۱- قرآن کریم- مترجم الهی قمشه‌ای، ۱۳۹۰، چاپ چهاردهم، نشر فکر برتر
- ۲- آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۵۲، داستان خسرو و شیرین نظامی، چاپ اول، تهران
- ۳- بلخی، جلال‌الدین محمد، ۱۳۶۰، به کوشش محمد استعلامی، کتاب‌فروشی زوار، چاپ نقش جهان
- ۴- جامی، عبدالرحمن، ۱۳۸۱، نقدالنصوص فی شرح نقش الفصوص، با شرح و تصحیح ویلیام چیتیک، چاپ دوم، چاپ آراین
- ۵- ذوالنور، رحیم، ۱۳۶۷، در جستجوی حافظ، چاپ دوم، انتشارات زوار
- ۶- سعدی شیرازی، ۱۳۶۸، بوستان (سعدی‌نامه)، چاپ سوم، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی
- ۷- سعدی شیرازی، ۱۳۶۸، گلستان، چاپ اول، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی
- ۸- شعار، جعفر، ۱۳۶۳، گزیده اشعار ناصر خسرو، تهران، چاپ اول، چاپخانه صنوبر
- ۹- شمیسا، سیروس، ۱۳۸۹، گزیده غزلیات مولوی، چاپ نهم، تهران، نشر قطره
- ۱۰- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۸، شاهنامه فردوسی، جلد ۷-۶، به اهتمام سعید حمیدیان، نشر قطره
- ۱۱- فرغانی، سیف‌الدین محمد، ۱۳۶۴، دیوان، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ دوم
- ۱۲- گروه مولفان، ۱۳۸۹، فصل‌نامه تخصصی پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، شماره پنجم، دوره دوم

- ۱۳- گروه مولفان، ۱۳۷۸، ادبیات فارسی، وزارت آموزش و پرورش، چاپ و نشر کتاب‌های درسی
- ۱۴- نظامی عروضی، احمدبن عمر، ۱۳۶۶، چهارمقاله، باهتمام محمد معین، چاپ سپهر، تهران، چاپ نهم
- ۱۵- نظامی گنجوی، ۱۳۷۰، خسرو و شیرین، چاپ اول، تصحیح پژمان بختیاری، انتشارات پگاه
- ۱۶- نظامی گنجوی، ۱۳۷۰، لیلی و مجنون، چاپ اول، تصحیح پژمان بختیاری، انتشارات پگاه
- ۱۷- نظامی گنجوی، ۱۳۶۲، مخزن الاسرار، بهروز ثروتیان، انتشارات توس
- ۱۸- نظامی گنجوی، ۱۳۶۲، خسرو و شیرین، بهروز ثروتیان، تهران، انتشارات توس
- ۱۹- وراوینی، سعدالدین، ۱۳۶۶، مرزبان نامه، به کوشش خطیب رهبر، چاپ دوم، انتشارات صفی علی‌شاه